



تصمیمات دولت برای تغییر قیمت بنزین و اثر آن بر رشد قیمت ها و بالا رفتن نرخ تورم و پیامدهای آن این روزها نقل محافل و دورهمی های مردمی در نقاط مختلف کشور است و هر کس به نوعی در مورد آن اظهار نظر و اعلام نگرانی میکند اگر چه متولیان موضوع در دولت با آگاهی ها و تجاربی که از افزایش قیمت بنزین در سنوات گذشته و پیامدهای آن داشتند موقع تصمیم گیری و اعلام نرخ های جدید کوشیدند این تغییر قیمت ها را به نوعی سازماندهی کرده و تفکیک قائل شوند و توضیح دادند و توجیه کردند تا تاثیر آن بر افزایش قیمت اقلام مصرفی مردم فرا گیر نباشد، اما از آنجا که متاسفانه فاصله بین هزینه های زندگی با درآمدهای مردم در چند سال گذشته همیشه روبه جلو بوده و مردم پیوسته نگران دخل و خرجشان هستند، در هر فرصتی در مورد رشد قیمت ها و پیامدهای آن با یکدیگر سخن میگویند. البته فروشندگان کالاها و صاحبان بسیاری از کسب و کارها هم با بهره گیری از این فرصت و با توجیه به بالا رفتن قیمت مواد اولیه و هزینه های تولید و تامین محصولاتشان هر یک به نوعی درصدی بر قیمت کالاهایشان می افزایند و بدین ترتیب با افزایش قیمت ها در همه مواد مصرفی روزانه مردم مواجه هستیم و این واقعیتی هست که نمیتوان آن را انکار کرد و از آنجا که تشکیلاتی برای مداخله، سازماندهی و کنترل قیمت ها در کشور پیش بینی نشده، برخی نیز از این فرصت برای کسب درآمد بیشتر سوءاستفاده میکنند. از سوی دیگر با افزایش قیمت ها متولیان امور در بخش پرداخت حقوق و دستمزدها برای جبران این هزینه ها و افزایش پرداختی ها به اقشار حقوق بگیر مداخله نمیکنند. پس مردم مجبور میشوند با کاهش مواد مصرفی روزانه زندگی و کاستن از امور رفاهی به نوعی زندگی خود را بگذرانند. از سوی دیگر آنکه این تغییر و تحولات امور معیشتی و پیامدهای آن موجب بحث و گفت و گوها و اظهار نگرانی و درد دل هایی بین مردم میشود که بر بهداشت روانی خانواده ها اثر منفی زیادی میگذارد و ارتباطات اجتماعی را کاهش میدهد که پیامدهای آن تا مدت ها بر همه امور زندگی مردم اثر میگذارد. مثال وقتی به جوانی میگویید چرا ازدواج نمیکنید یا به زوجین جوان میگویید چرا به فکر بچه دار شدن نیستید، جواب میدهند با این همه افزایش هزینه های زندگی با کدام درآمد هزینه زندگی را تامین کنیم؟ با افزایش قیمت ها چگونه مخارج اداره خانواده و فرزند را میتوان فراهم کرد؟ این بحث ها و گفتوگوها خواه و ناخواه بر مردم اثر منفی میگذارد و فشار روانی و اجتماعی سنگینی بر شهروندان وارد میکند. اینها موضوعات بسیار مهمی هستند که باید مسئولان و متولیان امور کشور بدان توجه کنند و حتی در تعامل و ارتباط با دیگر کشورها

و تصمیم گیری برای توسعه روابط و کاهش اختلاف نظرها در مسائل جهانی بیشتر بکوشند و این نکات مهم را مورد توجه قرار دهند و از هر راهی که میتوانند کوشش کنند تا تحریم ها کاهش یابد. اگر لازم است حتی بر حضورشان در محافل و مجامع جهانی بیفزایند تا بتوانند راهی پیدا کنند که فشارهای اقتصادی از روی کشور برداشته شود و داد و ستدهای اقتصادی با دیگر کشورها تسهیل گردد. در این صورت درآمدهای کشور هم افزایش می یابد و امور معیشتی مردم بهبود پیدا میکند و فشارهای روانی و اجتماعی مردم از بین میرود و به زندگی دلگرم میشوند.

